



فوتبال به مثابه  
هویت در تونس  
عقاب‌هایی  
که هرگز قفس  
نمی‌شناسند



تحلیل جلال چراغپور از نیمکت نشینی  
و عملکرد پرنوسان ملی پوشان در لیگ‌های اروپایی

# ستاره‌های خاموش



لژیونرها هر روز ضعیف‌تر از دیروز

## فرهنگ عجیب سرمربی در آستانه جام جهانی



بهروز رهبری فر:

جام جهانی برای ما  
کاملاً حیثیتی است



دفاعیه فنایی از کادر فنی تیم ملی:

حرف از قهرمانی آسیا  
غیرکارشناسی است



بررسی پست به پست  
فهرست نهایی  
خط خورده‌های  
تیم ملی را بشناسید



بعد از مانیکونه  
یک خارجی دیگر هم رفت

پایان گالیاردی  
در تیم ملی ایران



با ابتلای دو آمریکایی  
در نبراسکا

هانتاویروس، تهدید  
جدی جام جهانی



سرمقاله

مجیدسلطانی  
خبرنگار

دوباره ستاره متولد می‌شود

تیم ملی فوتبال، پس از فرساز و فرودهای عجیب و ناکامی در بازی‌هایی که در تاریخ فوتبال ما ثبت شدند، ۲۳ تساوی در برابر استرالیا به‌دست آورد و آخرین مسافر جام جهانی ۱۹۹۸ شد.

تیمی که می‌شد آینده‌ای درخشان را از سیمای بازیکنانش دید، بازیکنانی که هر یک سودای بزرگی داشتند و بعدها بزرگان بی‌گفت‌وگویی این سرزمین شدند.

جام جهانی ۹۸ در فرانسه برگزار و همان جام، به ویتربینی تمام عیار برای فروش بازیکنان باکیفیت فوتبال ما تبدیل شد. درصد قابل توجهی از آن تیم به اروپا و غالباً به یونان لیگ رفت و این سیل عظیم، حتی بازیکنان لیگ ما که راهی به تیم نیافته بودند را هم راهی اروپا کرد.

درخشش بازیکنان نامدار فوتبال ما که بعدها به مرور، توپ‌های طلای قاره آسیا را به کلکسیون افتخاراتشان اضافه کردند، موجب شد ترانسفر فوتبال ایران به قاره سبز ادامه داشته باشد. بازیکنان فوتبال ما به امید لژیونر شدن در لیگ بازی می‌کردند تا به تیم ملی و بعد هم به تیم‌های باشگاهی اسم و رسم‌دار در فوتبال اروپا برسند.

زمان برد تا حرکت این چرخ کند شد. در این میان عوامل فراوانی دخیل بودند. اتفاقات بسیاری افتاد و مدیران پرشماری مسئولیت‌های خود را به درستی انجام ندادند تا سرانجام این چرخ از حرکت ایستاد و آن شد که نباید بشود. صادرات بازیکن به اروپا متوقف شد. تیم‌های بزرگ اروپا که چشم‌پسته بازیکن ایرانی می‌خریدند، تمایلی به خرید از بازار ایران نداشتند و در نتیجه وقتی کی‌روش تلاش کرد بازیکنانش را از لیگ ایران دور کند، تیم‌های درجه ۲ اروپایی را برگزید.

حالا در وضعیتی قرار گرفته‌ایم که کیلومترها با سال‌های درخشان پیش و پس از جام جهانی ۹۸ فاصله دارد. مدیرانی که در باشگاه‌ها تمایلی به کار زیرساختی نشان ندادند، به همان اندازه مقصر بودند که مدیران فوتبال کشور. همه دست به دست هم دادند تا فوتبال ما به این روز بیفتد؛ اما می‌شود دوباره این خودروی خاموش را به حرکت درآورد. این فوتبال می‌تواند باز هم ستاره متولد کند به شرط آنکه چشم‌های بیداری که مهدی طارمی و مهدی قایدی را از جنوب و امید عالیشاه را از شمال کشف کردند، دوباره اجازه کار پیدا کنند. این فوتبال هیچ‌گاه عقیم نبوده و نیست مگر آنکه دست‌اندرکاران فوتبال ما آن را نازا کنند.